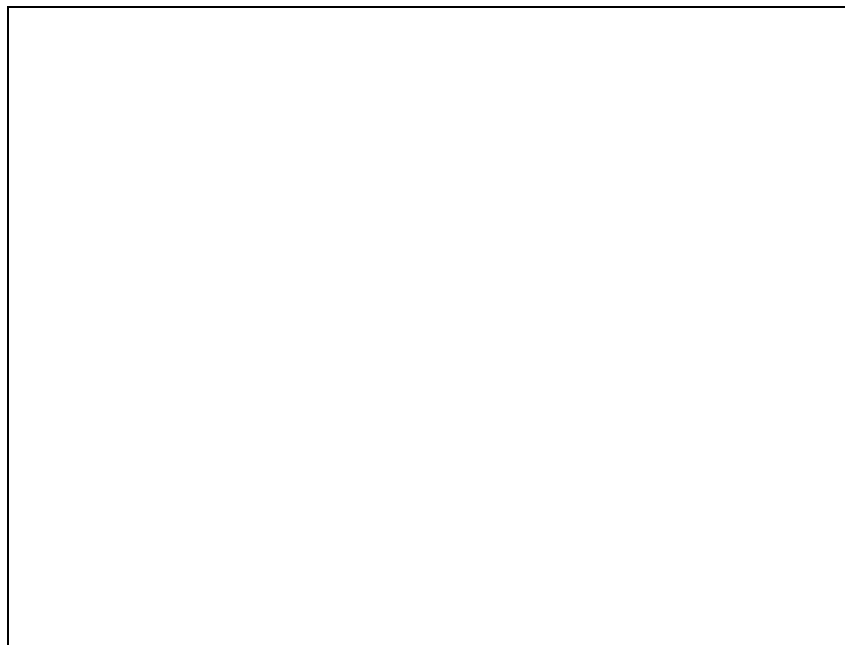


شخصیت

نویسنده:

علی خورش



انتشارات آسمان نگار (۰۹۱۳۱۱۷۲۶۴۲)

iranpub.com

سال چاپ:

۱۳۹۴

نوبت چاپ:

اول

تیراژ:

۱۰۰۰ جلد

نام کتاب:

شخصیت

نویسنده:

علی خوروش

قیمت:

۱۳۰۰۰ تومان

شماره استاندارد بین المللی کتاب: ۷-۰-۹۵۸۳۶-۶۰۰-۹۷۸

«کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ و مخصوص پدیدآورنده است»

شخصیت/۳

درخت تو گر بار دانش بگیرد بزیر آوری چرخ

نیلوفری را

تقدیم به همسر و فرزندم که صبورانه در نگارش این کتاب مرا یاری
نمودند

۱۵.....	مقدمه
۱۷.....	فصل اول تعاریف شخصیت
۲۰.....	روان شناسی و شخصیت
۲۵.....	فصل دوم عناصر سازنده شخصیت
۲۷.....	مقدمه
۲۷.....	عوامل ژنتیکی
۳۵.....	فرزند خواندگی
۳۶.....	عوامل محیطی
۳۸.....	خانواده
۳۹.....	همسالان
۳۹.....	نظام آموزشی
۴۲.....	تعامل محیط و وراثت
۴۷.....	فصل سوم اندازه گیری شخصیت
۴۹.....	مقدمه
۵۱.....	روش های ارزیابی شخصیت
۵۲.....	الف) روش پرسشنامه
۵۳.....	ب) روش مصاحبه
۵۴.....	ج) روش فرافکن
۵۵.....	د) روش مشاهده
۵۶.....	ذ) روش بالینی
۵۶.....	ط) روش آزمایشی
۵۹.....	فصل چهارم ویژگی نظریه ها و مکاتب شخصیت

۶۱	مقدمه
۶۲	چگونگی رویکردها
۶۲	تشابهات و تفاوتها نظریه‌ها
۶۳	پیش فرض ها
۶۴	نظریه های سطحی و عمقی
۶۵	طبقه بندی نظریه ها
۶۵	۱- رویکرد روان کاوی
۶۵	۲- رویکرد تیپ شناسی
۶۶	۳- رویکرد رفتارگرایی
۶۶	۴- رویکرد تحلیل عاملی
۶۷	۵- رویکرد انسان گرایی
۶۷	۶- رویکرد حوزه ای نگر

۶۹..... فصل پنجم نظریه رفتارهای ناهوشیار

۶۹	زیگموند فروید
۷۳	مقدمه
۷۵	تاریخچه
۷۹	نگرش به شخصیت
۸۰	لیبیدو (Libido)
۸۱	رشد روانی - جنسی
۸۳	ساختار شخصیت
۸۴	اصل نهاد
۸۵	اصل من
۸۶	اصل فرامن
۸۷	ارتباط بین سطوح شخصیت
۸۷	ساختار هوشیاری

شخصیت / ۷

۸۹.....	اضطراب و دفاع های روانی
۹۷.....	مفهوم اضطراب
۹۸.....	ابزارهای روان کاوی
۹۸.....	اثار قلمی

فصل ششم روان شناسی فردی ۱۰۱

۱۰۱.....	الفرد ادلر
۱۰۵.....	مقدمه
۱۰۵.....	تاریخچه
۱۰۸.....	نگرش به شخصیت
۱۰۸.....	۱- احساس حقارت
۱۰۹.....	۲- تفوق طلبی
۱۱۰.....	۳- غایت گرایی
۱۱۰.....	۴-علائق اجتماعی
۱۱۱.....	۵- شیوه زندگی
۱۱۳.....	۶- من خلاق
۱۱۴.....	مفهوم اضطراب
۱۱۴.....	اثار قلمی

فصل هفتم ناهوشیاری جمعی ۱۱۵

۱۱۵.....	کارل گوستاو یونگ
۱۱۹.....	مقدمه
۱۲۰.....	تاریخچه
۱۲۳.....	نگرش به شخصیت
۱۲۳.....	من و یا آگاهی
۱۲۳.....	ناهوشیاری فردی
۱۲۴.....	ناهوشیاری جمعی

۱۲۴نقاب یا ماسک
۱۲۵سایه
۱۲۵آنیما و آنیموس
۱۲۶خود
۱۲۷کنش های شخصیت
۱۲۸گرایش های روانی
۱۲۹لیبیدو
۱۲۹گذشته و آینده نگری
۱۲۹اثر قلمی

۱۳۱ فصل هشتم تضادهای درونی ما

۱۳۱کارن هورنای
۱۳۵مقدمه
۱۳۵تاریخچه
۱۳۷نگرش به شخصیت
۱۳۸اضطراب اساسی
۱۳۹نیازها و روان نژندی
۱۴۰خود آرمانی
۱۴۲اثر قلمی

۱۴۳ فصل نهم نظریه انگیزه و پاسخ

۱۴۳دالارد و میلر
۱۴۷مقدمه
۱۴۷تاریخچه
۱۴۷جان دالارد
۱۴۸نیل میلر
۱۴۹نگرش به شخصیت

شخصیت / ۹

۱۴۹	انگیزه های اولیه
۱۵۰	انگیزه های ثانویه
۱۵۲	رشد شخصیت
۱۵۴	عادات و یادگیری
۱۵۷	تقویت و پاداش
۱۵۷	عادات و شخصیت
۱۵۸	نقش جامعه
۱۵۹	مراحل رشدی
۱۶۰	کشمکش و تعارض درونی

فصل دهم روان شناسی صفات..... ۱۶۱

۱۶۱	گوردون الپورت
۱۶۵	مقدمه
۱۶۶	تاریخچه
۱۶۸	نگرش به شخصیت
۱۶۹	ماهیت صفت
۱۶۹	صفات اصلی، مرکزی و فرعی
۱۷۰	صفات عام و خاص
۱۷۰	رشد شخصیت
۱۷۲	خود

فصل یازدهم نظریه تیپ شناسی ۱۷۵

۱۷۵	ویلیام شلدن
۱۷۹	مقدمه
۱۷۹	تاریخچه
۱۸۱	نگرش به شخصیت
۱۸۳	ناهوشیاری

فصل دوازدهم انسان محوری ۱۸۷

۱۸۷	کارل راجرز
۱۹۱	مقدمه
۱۹۴	نگرش به شخصیت
۱۹۴	ارگانسیم
۱۹۸	میدان پدیداری
۱۹۹	خود
۲۰۰	رشد و شکوفایی
۲۰۱	کنش کامل

فصل سیزدهم انسان بهنجار ۲۰۷

۲۰۷	ابراهام مزلو
۲۱۱	مقدمه
۲۱۳	تاریخچه
۲۱۵	نگرش به شخصیت
۲۱۶	انگیزش و نیازها
۲۱۷	سلسله مراتب نیازها
۲۱۹	معنویت و شخصیت

فصل چهاردهم انسان آرمان گرای ۲۲۳

۲۲۳	اریک فرام
۲۲۷	مقدمه
۲۲۸	تاریخچه
۲۲۹	نگرش به شخصیت
۲۲۹	نیازهای روانی
۲۳۰	نیاز به وابستگی

شخصیت ۱۱/

۲۳۲	نیاز به تعالی.....
۲۳۳	نیاز به ریشه داشتن.....
۲۳۴	نیاز به هویت.....
۲۳۴	نیاز به موازین جهت گیری.....
۲۳۵	منش.....
۲۳۶	انواع منش.....
۲۳۸	آثار قلمی.....

فصل پانزدهم نظریه بین الاشخاصی ۲۳۹

۲۳۹	هری استک سالیوان.....
۲۴۳	مقدمه.....
۲۴۳	تاریخچه.....
۲۴۵	نگرش به شخصیت.....
۲۴۵	تعریف شخصیت.....
۲۴۷	نیازها و تنیدگی.....
۲۴۷	نیازهای بدنی.....
۲۴۷	نا ایمنی اجتماعی.....
۲۴۸	ساخت شخصیت.....
۲۴۸	۱- عوامل انگیزشی.....
۲۴۹	۲- تصویرهای ذهنی.....
۲۵۰	۳- فعالیت های ادراکی.....
۲۵۱	دستگاه خود.....
۲۵۲	مراحل رشد شخصیت.....

فصل شانزدهم تحلیل عوامل ۲۵۵

۲۵۵	ریموند کتل.....
۲۵۹	مقدمه.....

۲۶۰	تاریخچه.....
۲۶۱	نگرش به شخصیت.....
۲۶۲	جبری یا ارادی بودن.....
۲۶۲	رشد شخصیت.....
۲۶۳	انواع صفات.....
۲۶۳	صفات عام و خاص.....
۲۶۴	صفات عمقی و سطحی.....
۲۶۴	خود.....
۲۶۵	معادله اماری.....
۲۶۵	نقش وراثت و محیط.....
۲۶۷	نقش یادگیری.....
۲۶۹	ارزش کاربردی.....
۲۶۹	اثار قلمی.....

۲۷۱..... فصل هفدهم رویکرد پنج عاملی

۲۷۱	رابرت مک کرا و پل کاستا.....
۲۷۵	مقدمه.....
۲۷۶	تاریخچه.....
۲۷۶	رابرت مک گرا.....
۲۷۷	پل کوستا.....
۲۷۸	وراثت و محیط.....
۲۷۹	پنج عامل شخصیت.....
۲۸۰	ویژگی های صفات.....

۲۸۵..... فصل هجدهم نظریه هستی گرایی

۲۸۵	رولو می.....
۲۸۹	مقدمه.....

شخصیت / ۱۳

۲۸۹	تاریخچه.....
۲۹۱	اثار قلمی.....
۲۹۱	نگرش به شخصیت.....
۲۹۱	آزادی و مسئولیت.....
۲۹۲	تجربه تنهایی.....
۲۹۲	جستجوی معنی.....
۲۹۳	اضطراب.....
۲۹۴	ویژگی شخصیت.....
۲۹۴	بودن در این دنیا.....
۲۹۵	سه شیوه بودن.....
۲۹۶	زمان و بودن.....
۲۹۶	انزوا:.....
۲۹۶	زندگی و مرگ.....
۲۹۷	آزادی؛ مسئولیت پذیری.....
۲۹۷	آگاهی.....
۲۹۹	منابع فارسی.....
۳۰۶	منابع انگلیسی.....

مطالعه علمی شخصیت و کاربرد آن که بصورت نظام‌دار از اوائل قرن بیستم توسط افرادی نظیر فروید و فرویدین ها آغاز شده و تا امروز گسترش کمی، کیفی زیادی و ضرورت های کاربردی فراوانی پیدا نموده است. همچنین امروزه در جوامع مدرن با همکاری گروه های تخصصی دانشگاهی خود از علم و نظریه های روان شناسی شخصیت در زمینه های گزینش های شغلی و سازمانی، بهداشت روان، ازدواج مناسب و تشکیل خانواده سالم، آسیب شناسی و روان درمانی، سنجش و اندازه گیری شخصیت بهره های فراوانی برده اند و ضرورت استفاده از این علم برای برنامه ریزان این گونه جوامع و هدایت آن برای رسیدن به یک جامعه سالم امری قطعی و حتمی بشمار می آید. شخصیت یکی از پدیده های علمی و کاملاً تخصصی در حوزه علم روان شناسی است، زیرا شخصیت پدیده ای پیچیده و دارای ابعادی گوناگون و تاثیر زیادی بر رفتار فردی و اجتماعی بشر دارد. و به عبارتی دیگر تمامی رفتار ادیان زیر نفوذ این پدیده می باشد و برای شناخت شخصیت انسان ها، از دیرباز بطور تاریخی کوششهای فراوانی به عمل آمده است که برخی از آنها گاه غیر علمی و بعضی دیگر هم دارای اعتبار و ارزش علمی قابل توجه بوده است. همچنین بررسی تلاش های بعمل آمده برای شناخت و فهم شخصیت نشان می دهد که اتفاق نظر واحدی بر سر شناخت این پدیده تاکنون وجود نداشته است و تا امروز نظریه های متنوع و مکاتب گوناگونی در زمینه شخصیت بوجود آمده اند. تنوع در دیدگاه ها و نظریه ها ناشی از تفاوت در جهان بینی و نگرش به ماهیت انسان هر نظریه پرداز در این رشته بوده است. علاوه بر این هر جامعه برای آنکه بتواند مردم جامعه اش در قالب فرهنگ معینی تربیت کند و به

انان راهکارهای ارتباط متقابل و سازگاری موفقیت آمیز آموزش دهد و نیز شخصیت های تربیت شده ان جامعه با فرهنگ خاص اش هماهنگی داشته باشد، نیاز به ارائه تعریفی از شخصیت، بهنجاری و نابهنجاری ان و نظریه پردازی برای چگونگی ساخت و شکل گیری شخصیت دارد. هر چند که برخی از تجربیات بین فرهنگ ها مشترک و یکسان می باشند و بعید نیست که این نوع از تجربیات خاص و یک فرهنگ به فرهنگ دیگری هم در اثر تعامل بایک دیگر انتقال و مورد استفاده قرار گرفته باشد . بهر حال نویسنده کتاب حاضر در صدد بوده است تا با در نظر گرفتن همه تفاوتها و آنچه محققان این رشته تا کنون درباره شناخت شخصیت دست یافته و یا نظریه پردازی کرده اند در این مکتوب جمع اوری نماید و در دسترس دانشجویان و علاقمندان علمی شخصیت قرار گیرد تا آنها بتوانند به مفهوم و عناصر سازنده شخصیت از دیدگاه صاحب نظران مکاتب روان شناسی به صورت علمی و کاربردی آگاهی یابند. امید است اندیشمندان و صاحب نظران با مطالعه این کتاب نویسنده را از دیدگاه علمی و انتقادی سازنده خود برای ارتقاء متن چاپ های بعدی محروم نسازند (انشاءالله).

فصل اول

تعاریف شخصیت

شخصیت/ ۱۹

از دیرباز تا کنون در جوامع و گروه های مختلف تعاریفی گوناگون از شخصیت بر اساس سطح دانش و آگاهی خود ارائه داده اند. در میان مردم و عوام جامعه، شخصیت تعاریف خاص خود و متعددی را دارد. مثلاً وقتی گفته می شود که کسی با شخصیت است یعنی اینکه او دارای ویژگی های خاصی مثل جربرزه، متانت، هیبت، مقام اجتماعی، نظامی، سیاسی، علمی، هنری، اقتصادی و یا وقار خاصی است که می تواند افراد دیگر را تحت نفوذ خود قرار دهد. علاوه بر آن یکی از تعاریف دیگر شخصیت در میان عوام به هر نوع صفت اخلاقی یا ویژگی برجسته ایی مربوط می شود که سبب تمایز و برتری فردی نسبت به افراد دیگر جامعه می شود. در آموزش هایی هم که با عناوین پرورش شخصیت در جوامع ارائه و تبلیغ می شود و یا روش ها و تکنیک های مهارت های اجتماعی نظیر بهبود وضع ظاهر، اصلاح شیوه های ارتباط و کلامی تلاش می شده تا توان تعامل و سازگاری را در جامعه ارتقاء بهبود ببخشند. همچنین در برابر این ویژگی های مثبت گاه کلمه باشخصیت بودن برای فردی بکار می برند که به معنی داشتن ویژگی های مثبت است و در مقابل ویژگی های منفی فردی نظیر خسیس بودن عبارت بی شخصیت بودن بکار می گیرند چونکه سبب شده او دیگران را در جهت منفی تحت تاثیر قرار دهد. در حالیکه از نظر روان شناسان همه آدمیان دارای شخصیت هستند حال ممکن است بهنجار و یا نابهنجار باشد که باید به صورت علمی مورد مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این از دیدگاه روان شناسی شخصیت دارای تعاریف خاص خود و پدیده ایی متفاوت با نظر عوام جامعه است. از نظر این علم افراد به گروه های با شخصیت و بی شخصیت یا شخصیت خوب و شخصیت بد تقسیم نمی شوند. همچنین فیلسوفان هم در باره شخصیت تعاریف خاص

خود را دارند که متفاوت با دیدگاه روان شناسان است بطور مثال ابوعلی سینا در تعریف شخصیت می گوید ایزد جل وعلی انسان را دوگونه افرید یکی جنبه مادی که جسم او است و دیگری جنبه معنوی که روح او را تشکیل داده و به تازی آن را نفس یا روان گویند و شخصیت ادمی را وی است. از دیدگاه فلاسفه با توجه به این تعریف جسم مادی بخشی از شخصیت محسوب نمی شود و چون نفس یا روان از دیدگاه آنان اهمیت زیادی دارد فقط شخصیت انسان محسوب می شود. جامعه شناسان هم در تعریف این پدیده نظری متفاوت بیان می کنند که شخصیت تعریف جلوه ایی از انسان است که در نظر دیگران فرض می شود و آن را توصیف می کنند. بهر حال بایستی دانست بطور کلی شخصیت یک مفهوم انتزاعی و یک کلیت تفکیک ناپذیر است، یعنی این پدیده مثل پدیده انرژی در فیزیک است که قابل مشاهده نیست، بلکه از طریق ترکیب ویژگی های آن مثل جنبه های جسمی، افکار، عواطف و رفتارهای فردی و اجتماعی در ادیان تشکیل و به منصف ظهور می رسد. علاوه بر این ویژگی ها سبب شخصیت بی همتایی، تفاوت و تمایز انسان ها از همدیگر و نحوه سازگاری آنها را تعیین می کند. و نیز با شناخت از این ویژگی ها که بعضی به هم شباهت و یا تفاوت دارند می توان به این پدیده پی برد.

روان شناسی و شخصیت

اما در حوزه روان شناسی از شخصیت تعریف های گوناگونی ارائه داده اند. از نظر لغوی و ریشه لاتین کلمه شخصیت معادل کلمه پرسونا (Persona) استفاده شده که به معنی نقاب یا ماسکی است که در یونان و روم قدیم بازیگران تئاتر بر چهره می گذاشتند و نقش خود را بر اساس نقاب به چهره زده بازی می کردند. انتخاب واژه ماسک اشاره بر این مطلب دارد که

شخصیت/ ۲۱

شخصیت هرکس براساس ماسکی و نقابی است که او برچهره خود در بازی زندگی خویش می زند و به دنبال آن روش بازی و الگوهای سازگاری خود را انتخاب می کند و همچنین متمایز بودن خود را از دیگران نشان می دهد. دیدگاه ها و مکاتب در روان شناسی به تعریف، ماهیت شخصیت و صفات انسان متفاوت نگریسته و این امر باعث پیدایش تعاریف و نظریه های متعددی از جمله نظریه روانکاوی، نظریه انسان گرایی، نظریه رفتارگرایی، نظریه شناختی، نظریه هستی گرایی و ... در حوزه علم روان شناسی شده است. همچنین در بررسی این نظریه ها در باره شخصیت، نشان می دهد که تمامی معانی و ماهیت شخصیت انسان را نمی توان در یک نظریه خاص یافت، بلکه در واقع تعریف شخصیت به نوع تئوری، جهان بینی و نگرش هر نظریه پرداز در باره شخصیت انسان بستگی دارد. برای مثال اتکینسون هیلگارد (۲۰۰۵) شخصیت را الگوهای رفتاری و شیوه های تفکر که نحوه سازگاری شخص را با محیط تعیین می کند، تعریف کرده است در حالی که برخی دیگر نظیر فروید (۱۹۰۴) شخصیت را به ویژگیهای پایدار فرد نسبت داده و آن را بصورت مجموعه ویژگی های فرض کرده است که با ثبات بوده و پایداری آن در سال های اولیه کودکی مشخص می شوند. همچنین دوان شولتز (۲۰۱۱) معتقد است شخصیت به همه خصلت ها و ویژگیهایی اطلاق می شود که معرف رفتارهای یک شخص است، از جمله می توان این خصلت ها را شامل اندیشه، احساسات، ادراک شخص از خود، طرز فکر و بسیاری عادات دانسته است. کارل راجرز (۱۹۸۴) هم شخصیت را یک خویشتن سازمان یافته دائمی می داند که محور تمام تجربه های وجودی است. جی. بی. واتسون (۱۹۶۴) که یکی از موسسان رفتارگرایی است، شخصیت را مجموعه

سازمان یافته ای از عادات اکتسابی می پندارند. اریک اریکسون (۱۹۵۶) روان پزشک و روان کاوالمانی معتقد است که رشد انسان از یک سلسله مراحل و وقایع روانی اجتماعی ساخته شده و شخصیت انسان ، تابع نتایج آنها است. جورج کلی (۱۹۵۷) یکی از روان شناسان شناختی معاصر، شخصیت را روش خاص هر فرد برای جستجو جهت تفاسیر معانی زندگی می داند . همچنین ج.پی.گیلفورد (۱۹۵۴) شخصیت را بدین گونه تعریف کرده است که شخصیت عبارت است از الگوی منحصر به فرد صفات شخصیتی هر فرد است . والتر میشل (۱۹۷۳) نیز هم معتقد است که شخصیت الگوهای مشخص رفتار هر فرد است که شامل افکار و هیجانات است که موجب سازگاری هر فرد در محیط زندگی اش می شود . همچنین در دیدگاه اوهارا و تیدمن (۱۹۵۹) شخصیت هر فرد در نتیجه مجموعه تصورات او درباره خودش در موقعیت ها و زمینه های مختلف است. فروم (۱۹۷۶) معتقد است که شخصیت مجموع کیفیت های موروثی و اکتسابی است که خصوصیت هر فرد بوده و او را منحصر به فرد می کند. کتل (۱۹۹۱) از روان شناسانی است که معتقد است ویژگی های متمایز و جنبه های شخصیت ، جلوه های واقعی فرد است و باید آنها را واجد معنای روان شناختی دانست. سالیوان (۱۹۳۴) معتقد است شخصیت مفهوم فرضی است نمی تواند به تنهایی و خارج از روابط بین افراد تعریف نمود و رفتار فرد در یک روابط بین الاشخاصی تنها به عنوان شخصیت تعریف می شود. روان شناسان دیگری نیز هو از شخصیت تعاریف دیگری ارائه کرده اند مانند شلدن (۱۸۹۴) که معتقد است شخصیت سازمان پویای جنبه های ادراکی و انفعالی و ارادی و بدنی آدمی است. بنا بر این بایستی گفت شخصیت یک مفهوم انتزاعی است که دانشمندان به چنین

شخصیت/۲۳

مفهومی ساختار ویا سازمان می گویند. این حقیقت که شخصیت یک ساختار ویا سازمان است ، تعریف آن را مشکل می کند . آلپورت به پدر روان شناسی صفات(۱۹۳۷) بعد از آن که حدود ۵۰ تعریف از شخصیت را در کتاب خود جمع اوری ومورد بررسی قرار داد ، تعریفی از شخصیت ارائه می کند که شخصیت سازمان پویای تن وروان آدمی است که رفتارها،افکار خاص وروش های سازگاری اورا تعیین وموجب بی همتایی وی می شود.حتی افرادی نظیر هال ولیندزی (۱۹۷۳) هم بیان می کنند که شخصیت قابل تعریف نیست ولی قابل اندازه گیری است. در واقع با آنچه شرح داده شد تعریف شخصیت از دیدگاه هر نظریه پرداز و یا هر مکتبی خاص بستگی به جهان بینی اونسبت به انسان دارد . گرچه همه نظریه پردازان شخصیت با یک تعریف واحد از آن موافق نیستند، اما بهر حال با توجه تعاریف ذکر شده می توان به یک تعریف قابل قبول رسید که به طور نسبی حاوی ویژگی های مشترک دیدگاه های ذکر شده باشد که شخصیت به سازمان زنده وپویای جسمانی، روانی،عاطفی واجتماعی پایدار ادمیان به عنوان یک کلیت تفکیک ناپذیر گفته می شود که شیوه انطباق ،سازگازی با دنیای پیرامون ومنحصر بفردی اورا نشان می دهد. خلاصه آنکه توافق اساسی در تعاریف شخصیت در نظریه های مختلف وجود ندارد ولی وجوه مشابهی در این تعاریف می توان یافت که بدین شرح است : الف) شخصیت ادمی دارای یک سازمان پویا وزنده تن و روان است که این سیستم دارای تعامل دائمی برهم دیگر ویک کلیت (گشتالت) تفکیک نشدنی است.ب) شخصیت نوعی مفهوم یا ساخت فرضی است،یعنی شخصیت نوعی پدیده انتزاعی است که آن را بر اساس رفتار ویژگی های بیرونی فرد می توان تعریف کرد. ج) شخصیت هر فرد

۲۴/شخصیت

واحد منحصر به فرد و بی نظیر است و هیچ فرد دیگری را نمی توان یافت که کاملاً شبیه او باشد و تنها با مطالعه و اندازه گیری شخصیت افراد می توان خصوصیات آن افراد از یکدیگر متمایز می گردند، شناخت و تعیین نمود. (د) همچنین روش های سازگاری هر فرد مبتنی بر ویژگی های شخصیت اوست.